



نسخه متفاوت فارابی برای امیدآفرینی و شوق به زندگی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ضمن اشاره به نسبت صلح و فلسفه و نقش فلسفه در کاهش تبعات جنگ، درباره نسخه فارابی برای افزایش امید به زندگی در میان نسل جوان و حرکت به سمت تمدن‌سازی توضیح داد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ضمن اشاره به نسبت صلح و فلسفه و نقش فلسفه در کاهش تبعات جنگ، درباره نسخه فارابی برای افزایش امید به زندگی در میان نسل جوان و حرکت به سمت تمدن‌سازی توضیح داد.

سومین پنجشنبه ماه نوامبر از سوی سازمان یونسکو به عنوان روز جهانی فلسفه نامگذاری شده است و از سویی ۳۰ آبان هم به بهانه بزرگداشت فارابی، در کشور ما روز حکمت و فلسفه نام گرفته است.

به جهت تقارن این مناسبت‌ها با بحران غزه تصمیم گرفتیم با نادیا مفتونی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران پیرامون موضوع فلسفه و جنگ یا صلح گفت‌وگو کنیم تا به پاسخ این پرسش برسیم که آیا فلسفه قادر است از گستره جنگ و خشونت‌های تاریخی بشریت را فراگرفته است بکاهد و موهبت صلح را برای انسان معاصر به ارمغان آورد؟

ایکنای - این توقع وجود دارد که فلسفه مشکلات بشر را حل کند ولی آیا فلسفه می‌تواند به گسترش صلح پایدار در جهان کمک کند یا خیر؟

فلسفه فی‌نفسه می‌تواند هم موجبات صلح را فراهم کند و هم موجبات جنگ را؛ یعنی شما می‌توانید فلسفه هر امری را بنیان بگذارید. پس این امر بستگی دارد فیلسوفان از فلسفه چه بهره‌ای بگیرند ولی خود ما تلاشمان این است به سمت تقویت بنیان‌های صلح حرکت کنیم. مثلاً جلسات گفت‌وگوی متعددی که با فلاسفه کشورهای مختلف در دانشکده الهیات برگزار کردیم و می‌کنیم این دستاورد را دارد که آنها احساس کنند اندیشه و باورهای ما رویکرد صلح‌آمیز دارد و از این جهت می‌توانند ارتباط مثبتی با علوم انسانی در کشور ایران داشته باشند، نظر بدهند و نظرات ما را بشنوند. بنابراین ما عملاً این کار را در دانشکده انجام دادیم و انجام می‌دهیم ولی اینکه در ذات فلسفه نهفته باشد صلح بیافریند یا جنگ بیافریند، لایشرط است.

ایکنای - شما اشاره کردید فلسفه هم می‌تواند موجبات صلح را فراهم کند و هم موجبات جنگ را؛ در مورد چگونگی این مسئله توضیح بفرمایید.

من به صورت کلی گفتم و ناظر به فلسفه‌های موجود سخن نگفتم. می‌شود تصور کرد شما اصولی فلسفی بچینید که رویکرد صلح‌آمیز نداشته باشد. البته ما در فلسفه‌های موجود مثل فارابی مطالبی در مورد جهاد و نوع رفتار با مدینه‌های غیرفاضله می‌بینیم ولی باید توجه داشت که هرگونه جنگ و منازعه‌ای از دیدگاه فارابی مذموم نیست یعنی گاهی اوقات فارابی جهاد و منازعه و جنگ را گریزناپذیر می‌داند.

ایکنای - اگر بخواهیم از ظرفیت فلسفه برای صلح‌آفرینی استفاده کنیم چه تمهیداتی باید بیندیشیم و چه گام‌هایی برداریم؟

ما در ترم گذشته یک رساله دکتری دفاع کردیم در خصوص دیدگاه فارابی پیرامون صلح. همین عنوان «دیدگاه فارابی پیرامون صلح» به جهت دهی افراد خواننده به سمت صلح کمک می‌کند. می‌شد نام این پایان‌نامه را دیدگاه فارابی درباره جنگ گذاشت ولی خود عنوان می‌تواند نشانه‌های مثبت یا منفی به سمت مخاطب ارسال کند لذا ما کارهای زیادی می‌توانیم انجام دهیم. به نظرم مهمترین گفت‌وگو با فیلسوفان کشورهای مختلف است. البته ممکن است از میان ۱۰ فیلسوف یک نفر وارد گفت‌وگو نشود ولی با توجه به تجربه خودم عرض می‌کنم از آن ۱۰ نفر، ۹ نفر به گفت‌وگو علاقه نشان می‌دهند. خود این گفت‌وگو و ارتباط عملی با فیلسوفان و اندیشمندان به معنای اعم کمک کرده دیدگاه مثبتی در علوم انسانی ایجاد شود. این کاری است که ما می‌توانیم انجام دهیم. منظورم از «ما» پژوهشگران حوزه علوم انسانی است، یعنی ما صرفاً در اطراف خودمان برای دانشجویان خودمان و خوانندگان محدود داخلی حرف نزنیم و دامنه مخاطبان را به سراسر جهان توسعه بدهیم خصوصاً حوزه‌هایی که ممکن است نسبت به ما دیدگاه مبهم یا منفی داشته باشند. ما در دانشکده الهیات تجربه خیلی خوبی از این گفت‌وگوها داشتیم و نگاه‌های مثبتی نسبت به حوزه علوم انسانی خودمان ایجاد کردیم.

ایکنای - وقتی جنگی درمی‌گیرد یکسری پیامدهایی دارد از جمله رنج و دردی که مردم متحمل می‌شوند و آنها را نسبت به زندگی ناامید می‌کند. آیا فلسفه می‌تواند در این زمینه اثرگذار باشد و جلوی ناامیدی و یأس از زندگی که بخش غیر قابل انفکاک هر

حوزه های مختلف فلسفی از جمله فلسفه اخلاق به اشکال مختلفی بر نگاه انسان به زندگی اثر گذاشتند و به این مسئله پرداختند. آنچه من خودم مستقیماً روی آن کار کردم دیدگاه فارابی در اخلاق نفسی و اخلاق فردی است که به نظر می رسد این دیدگاه می تواند برای انسان ها با تاکید بر اقشار جوان دورنما داشته باشد و امیدبخش باشد. ما معمولاً در فلاسفه مهم دیگر مانند ابن سینا می بینیم اخلاق فردی بر اخلاق اجتماعی اولویت دارد و می گویند شما مسائل خود را با نفس حل کنید، دیگر هیچ مشکل اخلاقی باقی نمی ماند ولی فارابی اخلاق اجتماعی را بر اخلاق فردی مقدم می دارد و در رساله سیاست ابتدا از اخلاق اجتماعی بحث می کند و معتقد است سعادت در سلول انفرادی به دست نمی آید بلکه سعادت در جامعه معنا پیدا می کند و بعد از اینکه اخلاق اجتماعی را مورد بحث قرار می دهد و نوبت به اخلاق فردی می رسد، در اخلاق فردی واجبات و تکالیف فرد را عبارت می داند از تلاش حداکثری در تولید ثروت و مجاهده در طلب جاه یعنی انسان باید جاه طلب باشد.

شما وقتی برای تاسیس یک مدینه فاضله مبنای فلسفی ارائه می دهید باید به نحوی انسان ها را تربیت کنید که تمدن سازی کنند. از این جهت وظیفه اول مجاهده در طلب مال و جاه است و اساساً در فلسفه فارابی جاه طلبی معنای منفی ندارد، همانطور که طلب ثروت معنای منفی ندارد بلکه تکلیف های اخلاق شخصی هر فردی هستند. انسانی که جاه طلب است یعنی دنبال موقعیت های برتر اجتماعی است. مثلاً اگر شما شاگرد سوم کلاس هستی تلاش می کنی شاگرد اول شوی یا تلاش می کنی در فلان جشنواره مقام کسب کنی. همین تلاش ها جامعه و تمدن را می سازد.

پس شما وظیفه اخلاقی داری نهایت تلاش اقتصادی خودت را بکنی و نهایت تلاشت را در کسب موقعیت های اجتماعی انجام دهی. چنین انسانی با چنین روحیه ای سراسر امید و تلاش خواهد بود و به دنبال این است که اقتصاد را بسازد، به دنبال این است جامعه را بسازد و با اتفاقات منفی و ضایعات اجتماعی و لطمه های مختلفی که به جوامع وارد می شود عقب نشینی نمی کند. من سعی کردم دست روی قسمتی بگذاریم که خودم تحقیق کردم ولی شما می توانید مسائل عرفانی، مسائل معنای زندگی که همکاران ما روی آن کار کردند را هم در این زمینه مورد توجه قرار دهید.

ایکنا - اگر در پایان می خواهید جمع بندی داشته باشید بفرمایید و مسئله نسبت صلح و جنگ را در قالب چند عبارت توضیح بدهید.

نسبت فلسفه با صلح و جنگ به اصطلاح فلسفی لایشرط است و هم می توان بر ابعاد صلح آمیز فلسفه تمرکز کرد مثلاً کانت برنامه راهبردی برای صلح جهانی ارائه داده است و ما فلاسفه می توانیم بر برنامه صلح کانت تمرکز کنیم و آن را در پژوهش های خود مورد تاکید قرار دهیم ولی قطعاً در سخنان فلاسفه مطالبی نیز می توان یافت که بوی خوشایند صلح از آن بلند نشود.

ما تعمداً به مسائلی که بوی خشونت و جنگ می دهد تمرکز نمی کنیم. نه اینکه در فلسفه چنین دیدگاه هایی وجود ندارد، بلکه ما بر اساس رسالت فلسفی خود این را تشخیص می دهیم بر تئوری های صلح آمیز و تمدن ساز و زندگی آفرین و امیدبخش تمرکز کنیم.